

آیت‌الله بهشتی و اسناد لانه جاسوسی

● حمید قزوینی

اشاره

واقعه ۱۳ آبان ۱۳۵۸ و تصرف سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام یکی از مهم‌ترین حوادث سالهای نخست پیروزی انقلاب اسلامی است. آثار و بازتابهای این حادثه تاریخی را از جهاتی می‌توان بی‌نظیر دانست و شاید به دلیل همین ویژگی‌ها بود که رهبر انقلاب، امام خمینی (ره) آن را انقلاب دوم نامید.

موضوع کشف و انتشار اسناد موجود در سفارت آمریکا و تبعات سیاسی آن از جمله موضوعات مهم و مرتبط با این حادثه است که همچنان مورد بحث و بررسی محافل علمی، رسانه‌ای و سیاسی قرار دارد.

یکی از سوزدهای سیاسی و رسانه‌ای آن سالها که همچنان در کانون توجه است چگونگی ملاقات آیت‌الله دکتر سیدمحمدحسینی بهشتی با دیپلماتهای آمریکایی در آبان ۱۳۵۸ و نحوه انتشار اسناد این ملاقات و محتوای مذاکرات است.

ماجرای آنجا آغاز می‌شود که دو دیپلمات سفارت آمریکا در پی درخواستهای متعدد از طریق وزارت امور خارجه ایران در اوایل آبان ۱۳۵۸ (چند روز پیش از تصرف سفارت آمریکا) به دیدار آیت‌الله بهشتی می‌روند و گزارشی از این دیدار را تهیه و به مراجع ذی‌ربط خود ارسال می‌کنند.

با تصرف سفارت آمریکا و دستیابی دانشجویان به اسناد موجود در آن به مرور بخشی از اسناد تحت عنوان افشاگری علیه برخی چهره‌های سیاسی وقت منتشر شد. در این میان سازمان مجاهدین خلق (منافقین) با دسترسی به سند مذاکره آیت‌الله بهشتی و دیپلماتهای آمریکایی اقدام به انتشار بخشهایی از آن کرد و خواستار پاسخگویی دکتر بهشتی شد. اعضای سازمان



تسخیر لانه جاسوسی

مدعی بودند که دانشجویان در هماهنگی با بهشتی و رهبران انقلاب از انتشار این سند سر باز زده‌اند تا چهره سیاسی بهشتی نزد افکار عمومی خدشه‌دار نشود. این سند بعدها به صورت کامل در مجموعه اسناد لانه جاسوسی که توسط مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی منتشر شده به چاپ رسید که باز هم به سوژه‌ای برای محافل سیاسی و رسانه‌ای مبدل گشت. اکنون پس از ۳۰ سال به نظر می‌رسد بررسی اسناد این مذاکره و حاشیه‌های مرتبط با آن می‌تواند گوشه‌هایی از یک مقطع تاریخی و حساس معاصر را به تصویر کشد.

بهشتی چگونه می‌اندیشد

پیش از ورود به بحث ضروری است نوع نگرش شهید بهشتی به روابط خارجی و ارتباط با سایر کشورها مورد توجه قرار گیرد. البته رسیدن به یک تعریف جامع در این زمینه چندان آسان نیست، زیرا از یک سو شهید بهشتی دوران کوتاهی (کمتر از ۳ سال) پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی در قید حیات بوده و در این زمینه مطالب چندان‌ی را به یادگار نگذاشته است و از سوی دیگر در همین دوران کوتاه حوادث متعدد و متفاوتی به وقوع پیوسته که برخورد با هر یک از آنها اقتضائات و الزامات خاص خود را داشته و امکان در پیش گرفتن یک



آیت‌الله بهشتی

سیاست واحد فراهم نبوده است. برای نمونه تا پیش از تصرف سفارت آمریکا نوعی از دیپلماسی در جریان بود که پس از آن دستخوش تغییرات اساسی شد و نهایتاً با آغاز جنگ تحمیلی شرایطی کاملاً متفاوت بر این حوزه حاکم گردید.

بدیهی است آیت‌الله بهشتی که یکی از کارگزاران نظام و از رهبران عالی‌رتبه انقلاب بود بایستی مواضع و نگرش خود را با شرایط زمان تطبیق می‌داد. نکته حائز اهمیت دیگر این است که ملاقات شهید بهشتی با دیپلماتهای آمریکایی در مقطعی صورت می‌گرفت که انقلاب تازه به پیروزی رسیده بود و مردم بی‌صبرانه خواستار بازگرداندن شاه به ایران

جهت محاکمه بودند که دولت آمریکا با آن مخالفت می‌ورزید. به همین دلیل باید به نوع نگاه بهشتی هنگام ملاقات بیشتر توجه داشت؛ نگاهی که احتمالاً پس از حوادث بعدی به دلیل عملکرد دولت آمریکا دستخوش تغییراتی مهم شده است.

به رغم اینها بهشتی در موارد متعدد بر اصل نه شرقی و نه غربی بودن انقلاب^۱ تأکید کرده و نسبت به استقلال کشور در مذاکره با دیپلماتهای خارجی حساسیت زیادی داشته است. او اذعان می‌دارد که «آنها می‌دانند ما کشوری دارای استقلال هستیم»^۲

او در عین حال مرعوب نشدن مقابل کشورهای بزرگ تأکید دارد^۳ و تصریح می‌کند که بایستی به همه کشورها نگاه یکسان و برخورد یکسان داشت اما تصریح می‌کند که باید راهی را برویم که ضد تشنج و تفرقه باشد.^۴

بهشتی همچنین به داشتن رابطه با کشورهای مسلمان که اسلامی رفتار نمی‌کنند و رفتارشان تحمیلی است چندان روی خوش نشان نمی‌دهد.^۵

او در همان سالها تأکید می‌کند که «باید تمام خصلتها و ویژگی‌های جهانی بودن این انقلاب را

دقیقاً حفظ کنیم. شعارها، موضع گیریها، تکیه کردن‌ها و تأکیدها، بها دادن‌ها، اینها همه باید طوری تنظیم شود که به جهانی بودن آرمان و راه و ایدئولوژی این انقلاب ذره‌ای خدشه وارد نیاید.^۶

ابتدا یک گفتگوی مکتوب

بررسی اسناد سفارت آمریکا نشان می‌دهد که دیپلمات‌های این سفارتخانه با وجود تلاشهای مختلفی که برای ملاقات با بهشتی به خرج داده‌اند غیر از یک بار که سند آن منتشر شده ملاقات دیگری نداشته‌اند.^۷ و پیش از آن از راه‌های مختلف به دنبال گفتگو با بهشتی بوده‌اند. سفارت آمریکا در چنین شرایطی برای تبیین اهداف درخواست خود، سئوالاتی را از طریق فردی که از او به عنوان واسطه یاد شده (ابراهیم یزدی وزیر وقت امور خارجه) برای بهشتی ارسال می‌کند تا شاید پس از مطالعه آنها وی راضی به انجام ملاقات شود. اما بهشتی باز هم تمایلی به دیدار از خود نشان نمی‌دهد و تنها به پاسخ کتبی سئوالات اکتفا می‌کند.

بهشتی در پاسخ‌های خود انقلاب را پایان نیافته دانسته و در عین حال می‌افزاید:

هدف ما ایجاد نظم سالم و روابط سالم در داخل ایران و با جهان خارج می‌باشد. انقلاب سخت تلاش می‌کند که جهت خود را حفظ کند ولی هنوز به اهداف خود نائل نشده است. طبیعتاً ایران می‌خواهد روابط انسانی سالمی با تمام ملتها داشته باشد، مشروط بر اینکه خارجیان مسئله روابط انسانی عادلانه را محترم شمارند.

وی در تشریح عملکرد دادگاههای انقلاب می‌گوید: «برای به مجازات رسانیدن دشمنان ملت در گذشته و افراد ضدانقلاب کنونی فعالیت می‌کنند. اینان دادگاههای عادی نیستند بلکه دادگاههای انقلابی هستند، فعالیت‌های آنان موقت خواهد بود و بعد از آن وظایف آنان به دادگاههای عادی واگذار خواهد شد.»

بهشتی در ادامه اشاره می‌کند که انقلاب خونین نبوده است «اما اگر انقلابی خونین نباشد به این معنی نیست که انقلاب کاملی نداشته‌ایم. اگر شورای انقلاب وجود نداشت تمام افرادی که در حال حاضر زندانی هستند توسط مردم کشته شده بودند.»

وی در زمینه روابط خارجی نیز می‌نویسد: «ایران می‌خواهد که دنیای خارج به ضد انقلابیون کمک نکرده و در امور داخلی ایران دخالت نکند. ما چیز بیشتری نمی‌خواهیم، نه از آمریکا و نه از شوروی. روابط ما با شوروی باید مانند دو همسایه عادی باشد. آنها نباید دخالت کنند و نباید توقعات مخصوصی از ما داشته باشند.»

بهشتی درباره مداخله آمریکا در امور داخلی ایران با تأکید بر ضرورت سکوت هر چه بیشتر آمریکا می‌افزاید: «اگر ثابت شود که آمریکا به گروههای ضدانقلابی کمک می‌کند، این مسئله بی‌نهایت

به ضرر روابط فی‌مابین خواهد بود.»

مطالعه پاسخ‌ها و ارزیابی دیپلماتهای آمریکایی به خوبی بیانگر آن است که بهشتی از موضعی کاملاً منطقی و جانبدارانه نسبت به انقلاب و البته در چارچوب‌های دیپلماتیک با رعایت مصالح نظام و منافع ملی به طرح نظرات خود پرداخته است.^۸

ارزیابی سند

برای آنکه ارزیابی دقیق‌تری نسبت به مذاکرات بهشتی و طرف‌های آمریکایی به دست آید باید به بررسی و تحلیل سند مورد اشاره نیز پرداخت. پیش از ورود به این بحث یادآوری ویژگی‌های یک مذاکره موفق، بویژه در گفتگوهای دیپلماتیک خالی از فایده نیست.

روشن است که اساس مذاکره بر ارتباط‌گیری صحیح میان طرفین است و دو طرف با وجود تأکید بر تأمین منافع خود موظفند انعطاف هم داشته و برای رسیدن به یک توافق مشخص تلاش کنند؛ توافقی که پس از اعتمادسازی از سوی دو طرف قابل دستیابی است. دو اصل خوب شنیدن و خوب سؤال کردن از اصول محوری مذاکره است و تسلط بر ادبیات و فن سخنوری از ضروریات آن به شمار می‌آید.

نگاهی هر چند گذرا به متن سند^۹ مشخص می‌کند که شهید بهشتی از این نظر از تسلط کافی برخوردار بوده و به خوبی از عهده یک مذاکره رسمی و دیپلماتیک با نمایندگان وزارت امور خارجه آمریکا برآمده است.

طرف آمریکایی در گزارش خود، بهشتی را برخوردار از اعتماد به نفس بالا هنگام گفتگو، آرام و غیراحساسی، با رفتار محترمانه و مسلط بر زبان انگلیسی معرفی می‌کند. بهشتی در این دیدار شمرده سخن گفته و به سبک گفتگوهای رسمی از هرگونه حاشیه پرهیز کرده و تنها به حجم زیاد کارهای خود اشاره کرده تا احتمالاً از این طریق مدت زمان دیدار را محدود سازد.

دیپلمات‌های آمریکایی در این دیدار خود را آماده و علاقه‌مند به شنیدن نظرات بهشتی معرفی کرده و بر اهمیت آنها در بهبود روابط آمریکا و ایران تأکید می‌کنند. آنها به شدت تحت تأثیر شخصیت بهشتی قرار گرفته و او را از نظر ظاهر و فکر مؤثر و گیرا دانسته‌اند.

از سوی دیگر متن سند به خوبی نشان می‌دهد که دیپلمات‌های آمریکایی خود به دیدار بهشتی آمده و در مجلس سنای سابق با او ملاقات کرده‌اند. از آنجا که دیدار در محل تشکیل جلسات خبرگان قانون اساسی بوده عملاً جلسه‌ای مخفی و به دور از چشم دیگران و با اهدافی سری و ضدامنیتی به شمار نمی‌آمده است. ضمن آنکه ملاقات به پیشنهاد و هماهنگی وزارت امور خارجه و شخص ابراهیم یزدی (وزیر وقت) صورت گرفته است.^{۱۰}

تحلیل محتوای سند

بهشتی در سخنان خود احساسات عمومی مردم ایران علیه شاه و جنایتهای سلطنت پهلوی را طی ۵۰ سال گذشته که با حمایت قدرتهای خارجی بوده است یادآور شده و نسبت به تبعات پشتیبانی و پذیرش شاه توسط آمریکا هشدار می‌دهد.

وی همچنین مشکلاتی که در مبادلات تجاری، مسدود شدن دارایی‌های ایران و موانعی که در انتقال قطعات یدکی و تجهیزات نظامی ایجاد شده سؤال می‌کند و خواستار حل آنها می‌شود.

بهشتی همچنین پایگاه مردمی گسترده انقلاب و حمایت توده‌های مردم از امام را یادآور شده و تأکید می‌کند که نباید اقلیتی محدود که مخالف انقلاب هستند (و احتمالاً مورد حمایت آمریکا) نظر خود را بر اکثریت حامی انقلاب تحمیل کنند. او مسئولیت اصلی بهبود روابط ایران و آمریکا را متوجه طرف مقابل دانسته و تصریح می‌کند که آمریکا باید حسن نیت خود را در عمل نشان دهد و در صورت بروز هر کودتایی آمریکا مسئول آن خواهد بود؛ اگر چه هرگونه کودتا موفقیتی در پی نخواهد داشت و شرایط آمریکا را در ایران پیچیده‌تر خواهد نمود.

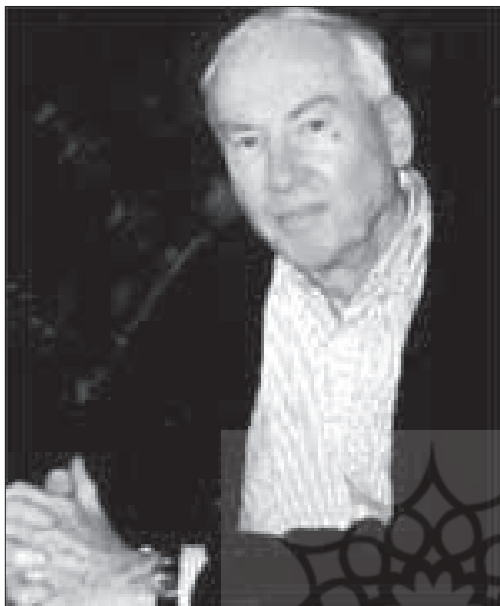
بهشتی ضمن تبیین تبعات کودتا و تأثیر آن بر روابط ایران و آمریکا اذعان می‌دارد که ارتباط با ایران بیشتر به نفع آمریکا خواهد بود و آمریکا نباید دست به کاری زند که تبعات آن برایش زیان‌بار است.

بهشتی اظهار می‌دارد که رهبری انقلاب می‌خواهد با آمریکا و غرب به صورت مثبت برخورد کند ولی عمیقاً به اقدامات طرف مقابل ظنین است.

بهشتی در این مذاکره به شکلی متین و به دور از احساسات و هیجانات رایج در آن مقطع زمانی موضع رهبران انقلاب را تبیین کرده و چهره‌ای علاقه‌مند به ارتباط با جهان خارج را از انقلاب اسلامی و نظام نوپای منبعث از آن ترسیم می‌کند.

بهشتی به دلیل آنکه هنوز روابط رسمی ایران و آمریکا قطع نشده و از طرفی موضوعات و مشکلات مختلفی در روابط دو کشور وجود داشته تلاش می‌کند از فرصت دیپلماسی رسمی و گفتگوهای دوجانبه برای یافتن راه‌حلهای منطقی استفاده کند و در عین حال مواضع انقلابی و اعتراضی انقلاب را نیز به اطلاع طرف مقابل برساند.^{۱۱}

اگر بهشتی را برخوردار از تعادل و تناسب در رفتارهای مختلف سیاسی و اجتماعی بدانیم در آن صورت مذاکره مذکور مصداق بارز همین رفتار است. او خود درباره ضرورت رسیدن به فرهنگ تعادل می‌گوید: «انقلاب براساس یک خصلت خاصی به وجود آمده است و خصوصیات انقلاب در آغاز این است که شتاب داشته باشد تا بتواند حرکت خود را سریع انجام بدهد. متناسب با این فرهنگ شتاب، روح شتاب در بسیاری، مخصوصاً در نسل جوان به وجود می‌آید ولیکن فرهنگ



هنری پرشت

شتاب نباید زیاد پایدار باشد... و باید از فرهنگ شتاب به فرهنگ تعادل بیایم»^{۱۲}
هنری پرشت یکی از دو دیپلمات آمریکایی حاضر در ملاقات بعدها درباره بهشتی گفت: «من او را فردی باهوش، خوش مشرب، صریح و پایبند به اصول دیدم. فکر می‌کنم اگر او زنده می‌ماند، می‌توانست میانه‌روی را ترویج کند و تأثیری مثبت بر سیاست ایرانیان می‌گذاشت. برای مثال، بعد از آن که سفارت اشغال شد، من به بهشتی تلفن زدم و از او برای آزادی گروگان‌ها و بازگشت اموالمان کمک خواستم. او گفت حداکثر تلاشش را می‌کند اما مجبور بود گفت و گویمان را به خاطر شرکت در شورای انقلاب پایان دهد. من دیگر از بهشتی چیزی نشنیدم»^{۱۳}

به هر حال با مطالعه دقیق سند و بررسی جوانب مختلف مرتبط با این مذاکره باید گفت بهشتی تلاش داشته از ظرفیتهای قانونی و دیپلماتیک برای پیشبرد اهداف نظام نوپای منبعت از انقلاب اسلامی استفاده کرده و آمریکا را از گرفتار آمدن در شیوه‌هایی که خشم ملت را برانگیخته و زمینه‌های همکاری دوجانبه را از بین می‌برد پرهیز دهد.

۲۹ اکتبر ۱۹۷۹ - ۷ آبان ۱۳۵۸

خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا، تهران - ۱۱۳۹۰

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی - دارای حق تقدم

رونوشت برای سفارتخانه‌های آمریکا در آنکارا، جده، اسلام‌آباد، کابل، کویت، بغداد، دمشق

موضوع: ملاقات با بهشتی

۱- (خیلی محرمانه - تمام متن)

۲- خلاصه: هنری پرشت و من، ۲۷ اکتبر با دکتر محمد بهشتی، نایب رئیس مجلس خبرگان و دبیرکل حزب جمهوری اسلامی، یک گروه سیاسی که با خمینی پیوستگی نزدیکی دارد، ملاقات کردیم. بهشتی به ما یادآوری نمود که احساسات عمومی شدیدی در مورد هرگونه

پشتیبانی از شاه سابق وجود دارد. او از مشکلات در حمل قطعات یدکی نظامی و قراردادهای تجاری جویا شد و به شایعات گسترده در مورد دخالت سیا در کردستان اشاره کرد. اظهار حمایت دولت آمریکا از انقلاب کفایت نمی‌کند. به جای حرف عمل لازم است. او گفت که انقلاب پشتوانه لازم را در اکثریت مردم ایران دارد و اگر لازم باشد می‌تواند طبقه متوسط و اقلیت متخصصین را نادیده بگیرد. بهشتی اعتماد به نفس فوق‌العاده‌ای از خود بروز می‌دهد، خصومت ظاهری نشان نمی‌دهد، ولی در امر بهبود روابط آمریکا و ایران، او بار اصلی را به دوش آمریکا می‌گذارد. پایان خلاصه.

۳- بهشتی ما را در اطاق انتظار ساختمان سنا پذیرفت. او تنها بود، رفتار او دوستانه و آرام به نظر می‌رسید ولی از حجم زیاد کار، شکایت داشت.

۴- ما سلامها و آرزوهای دولت و ملت آمریکا را ابلاغ نمودیم و بر نظر خویش که پیشرفت دولت موقت در ساختن نهادهای جدید دولتی که در خدمت منافع آمریکا و همچنین ایران باشد، تأکید کردیم. پرشت که دیدگاه واشنگتن را ابراز می‌داشت، گفت که مشکل دو جانبه‌ای برای هر دو کشور وجود دارد که عبارتست از درک ناکافی و تا حدی نادرست از انقلاب در میان مردم آمریکا و ایران. او گفت از دیدگاههای بهشتی در زمینه اینکه روابطمان را چگونه می‌بیند و چه اقداماتی می‌توان در جهت بهبود آن انجام داد، استقبال می‌کند.

۵- بهشتی در پاسخ اول بر لزوم اینکه آمریکا حسن‌نیت خود را همراه حرف در عمل نیز نشان دهد تأکید نمود. اظهار حسن‌نیت تنها کفایت نمی‌کند. او سه زمینه اصلی مشکلات را برشمرد. اول مسئله شاه بود. او پنجاه سال تباهی را بر ملت ایران تحمیل نموده و هم‌اکنون احساسات عمومی بر علیه او خیلی شدید می‌باشد. لذا ایران نمی‌تواند تحمل کند که آمریکا و یا هر کشور دیگری از او حمایت کند. (نظرات بهشتی، در این مورد مانند بقیه موارد گفتگو صریح، کنترل شده و عاری از احساسات بودند.)

۶- انتقاد دوم او در زمینه قراردادهای تجاری بود. نظر او بر این دلالت داشت که با توجه به انقلاب، برخورد با مسائل تجاری نباید فقط در جنبه‌های عادی تجاری محدود شود، بلکه دیدگاه سیاسی نیز باید در نظر گرفته شود. او شنیده بود که مقدار زیادی از وجوه ایران در آمریکا توسط دادگاهها مسدود شده‌اند. ضرورت دارد که دولت آمریکا با کمک برای حل این مشکلات حمایت خود را از ایران نشان دهد.

۷- نگرانی سوم او در زمینه قطعات یدکی نظامی و تجاری بود. واضح بود که او اطلاعات کمی در مورد جزئیات این قضیه دارد، ولی می‌دانست که قطعات یدکی به مقدار و سرعت لازم توسط آمریکا فراهم نمی‌شود.

۸- من گفتم در مورد شاه، پاسخ خواهم گفت و از پرشت خواستم تا نظرات واشنگتن را در زمینه‌های دیگر بیان دارد. من بر آنچه که به هنگام طرح مسئله سفر شاه به آمریکا به منظور انجام معالجات پزشکی برای نخست‌وزیر و یزدی گفته بودم به عنوان موضع خودمان در قبال شاه تأکید کردم. ما شاه را به عنوان یک مقام مسئول در ایران به رسمیت نمی‌شناسیم و از دولت موقت به رهبری بازرگان حمایت می‌کنیم. ما اهمیت زیادی برای تمامیت و استقلال ایران قائل هستیم و به شاه تأکید کرده‌ایم که به هنگام اقامت در آمریکا هیچ‌گونه فعالیت سیاسی نباید داشته باشد.

۹- بهشتی اعتراضی به این مسئله نکرد، ولی بعد پرسید که پاسخ من در برابر شایعات مربوط به فعالیت سیا در کردستان و مناطق دیگر ایران چیست. من گفتم که این شایعات مطلقاً بی‌اساس می‌باشند. نه سیا و نه هیچ نهادی از دولت آمریکا به هیچ شکلی در هیچ‌یک از فعالیت‌هایی که به تمامیت ایران لطمه بزند، شرکت نداشته‌اند. من بر اساس اطلاع کامل از فعالیت‌های دولت آمریکا در ایران چنین تضمینی به او دادم، در هر حال ایجاد آشوب در کردستان از هر طریقی که باشد کاملاً بر خلاف منافع ملی خودمان خواهد بود.

۱۵۷

۱۰- پرشت گفت که متوجه مشکلات متعدد در زمینه تجارت هستیم ولی این مسائل به هر دو طرف قضیه مربوط می‌شوند. دولت آمریکا فعلاً نه در جهت حل مشکلات تلاش می‌کند و در واقع در چند مورد مطالبی در جهت حمایت از ایران به دادگاهها داده است. ایران در خیلی از این موارد دادگاه موفق گشته است. ما می‌خواستیم دولت موقت بدانند که دولت آمریکا هر کاری بتواند انجام خواهد داد تا این مشکلات در جهت استحکام بیشتر روابط اقتصادی - تجاری با ایران حل شود. ولی دولت موقت باید توجه داشته باشد که دولت آمریکا هم جوانب سیاسی را باید در نظر داشته باشد و محدودیت‌هایی وجود دارد، هم قانونی و هم محدودیت‌های دیگر که بر نقشی که ما می‌توانیم ایفا کنیم اثر می‌گذارد.

۱۱- در مورد قطعات نظامی، پرشت اقداماتی را که ما برای تضمین حل مسئله سپرده‌های ارزی اتخاذ نموده بودیم را برشمرد و گفت که این تضمین از ژوئیه به مورد اجرا گذاشته شده و از آن وقت هیچ مانعی از سوی دولت آمریکا بر ارسال قطعات ایجاد نشده است. موارد مجردی وجود دارد که مشکلاتی در آن بروز خواهد کرد، ولی دولت آمریکا در منافع خود می‌داند که ارسال قطعات را تسهیل نماید تا روند تأمین قطعات نظامی برای ایران استمرار داشته باشد. ما همچنین می‌خواستیم در زمینه قطعات یدکی و تجهیزات شرکتهای تجاری نیز کمک کنیم. برای کمک در این امر اطلاعات مشخصی لازم است.

۱۲- بهشتی مدتی را صرف توضیح و تأکید بر حمایت توده‌ای مردم از انقلاب ایران نمود.

VZCZ 154
 II RUEHC RUQMGU RUQMRA RUSEQD RUSEBK RUQMEW
 RUEHDM RUEHDM
 DI RUQMER #1390/01 3020722
 ZNY CCCCC ZZH
 P 290715Z OCT 79
 FM AMEMBASSY TEHRAN
 TO RUEHC/SECSTATE WASHDC PRIORITY 4512
 INFO RUQMGU/AMEMBASSY ANKARA 0342
 RUQMRA/AMEMBASSY JIDDA 0410
 RUSEQD/AMEMBASSY ISLAMABAD 0393
 RUSEBK/AMEMBASSY KABUL 0390
 RUQMEW/AMEMBASSY KUWAIT 0350
 RUEEAD/USINT BAGHDAD 0340
 RUEHDM/AMEMBASSY DAMASCUS 0030
 BT

C O N F I D E N T I A L SECTION 01 OF 03 TEHRAN 11390

E.O. 12065: GDS 10/29/85 (LAINGEN, L.B.) OR-M

TAGS: PEPR, PINR, IR, US
 SUBJECT: MEETING WITH BEHESHTI

1. (C-ENTIRE TEXT.)

2. SUMMARY: HENRY PRECHT AND I, OCTOBER 27 CALLED ON DR. MOHAMMED BEHESHTI, VICE PRESIDENT OF THE COUNCIL OF EXPERTS AND SECRETARY GENERAL OF THE ISLAMIC REPUBLICAN PARTY, THE POLITICAL GROUPING CLOSELY ASSOCIATED WITH KHOMEINI. BEHESHTI REMINDED US OF STRONG PUBLIC FEELING ABOUT ANY SUPPORT FOR EX-SHAH, ASKED ABOUT PROBLEMS IN MILITARY SPARE PARTS SHIPMENTS AND BUSINESS CONTRACTS, AND NOTED WIDESPREAD RUMORS OF CIA INVOLVEMENT IN KURDESTAN. EXPRESSIONS OF SUPPORT BY USG FOR REVOLUTION DID NOT SUFFICE; ACTION RATHER THAN WORDS WAS NEEDED. SAID THAT REVOLUTION HAS SUFFICIENT SUPPORT FROM MASS MAJORITY IN IRAN TO IGNORE MIDDLE CLASS AND PROFESSIONAL MINORITY IF NECESSARY. BEHESHTI REFLECTS ENORMOUS SELF-CONFIDENCE AND NO APPARENT HOSTILITY, BUT PUTS ONUS HEAVILY ON U.S. SIDE IF U.S.-IRAN RELATIONS ARE TO IMPROVE. END SUMMARY.

3. BEHESHTI RECEIVED US IN ANTE-ROOM OF THE SENATE BUILDING. HE WAS ALONE, FRIENDLY IN MANNER AND RELAXED IN STYLE BUT COMPLAINING ABOUT OVERWORK.

4. WE CONVEYED THE GOOD WISHES OF THE AMERICAN GOVERNMENT AND PEOPLE, EMPHASIZING OUR VIEW THAT PROGRESS BY PGOI IN BUILDING NEW INSTITUTIONS OF GOVERNMENT SERVED AMERICAN INTERESTS AS WELL AS THOSE OF IRAN. PRECHT, SPEAKING FROM THE WASHINGTON PERSPECTIVE, NOTED THAT A MUTUAL PROBLEM FOR BOTH COUNTRIES WAS THE INADEQUATE AND TO SOME EXTENT INACCURATE UNDERSTANDING OF THE REVOLUTION AMONG THE AMERICAN AND IRANIAN PUBLIC. HE SAID HE WOULD WELCOME BEHESHTI'S VIEWS AS TO HOW HE SAW OUR RELATIONSHIP AND WHAT MIGHT BE DONE TO IMPROVE IT.

5. BEHESHTI RESPONDED BY FIRST EMPHASIZING THE NEED FOR THE USG TO DEMONSTRATE ITS GOODWILL BY ACTIONS AS WELL AS WORDS. EXPRESSIONS OF GOODWILL ALONE WOULD NOT SUFFICE. HE RAISED THREE SPECIFIC PROBLEM AREAS. THE FIRST DEALT WITH THE SHAH. THE LATTER HAD IMPOSED FIFTY YEARS OF

VZCZC 554

VZCZC 554

این حمایت هنوز کاملاً مشهود و یا از لحاظ تشکیلاتی و حزبی سازماندهی نشده است. ولی حمایت عظیمی بوده و این توده شرکت کننده انقلاب برای اثبات حقانیت و حمایت از اهداف انقلاب در ایران کافی است. رهبری انقلاب بر چنین حمایت عظیمی اتکا دارد و این حمایت از انقلاب قدرت و پیروزی انقلاب را علیرغم گزارشات و شایعات در مورد توطئه‌های وسیع منجمله امکان توطئه‌هایی از جانب نظامیان، تضمین می‌کند. اقدام برای کودتا بسیار محتمل است، او گفت که اگر چنین امری پیش آید آمریکا مسئول شناخته خواهد شد، چون آمریکا دارای نقش گسترده‌ای در رابطه با ارتش ایران بوده است. بهشتی در رابطه با این موضوع به گونه‌ای صحبت نکرد که نشان دهد تصور می‌کند تلاش برای انجام یک کودتا موفق خواهد بود بلکه می‌گفت چنین اقدامی به هیچ‌وجه موفق نخواهد شد و هرگونه اقدام مشابه، مشکلات جدی برای آمریکا در ایران ایجاد خواهد کرد. رهبری انقلاب تصمیم گرفته است که با آمریکا و غرب به صورت دوستانه و مثبت برخورد کند ولی آنها عمیقاً ظنین باقی می‌مانند.

۱۳- در پاسخ، من نکاتی را که قبلاً توسط پرشت مطرح شده بود مبنی بر ضعف در شناخت ابعاد انقلاب در آمریکا را پیش کشیدم ولی گفتم یک جنبه انقلاب برای افکار عمومی آمریکا کاملاً روشن است و آن وسعت حمایت مردمی از انقلاب است. با توجه به روابط ما با نظامیان در ایران من از فرصت استفاده نمودم تا بهشتی را از ترکیب و اندازه واحدهای مستشاری مطلع سازم. گروه مشورتی مستشاری نظامی که از تعداد زیادی افراد متشکل شده بود در حال حاضر به گروه شش نفری کوچکی تبدیل شده که تنها هدف آن حفظ ارتباط با طرفین ایرانی برای تسهیل دریافت تجهیزات نظامی آمریکا توسط دولت موقت ایران می‌باشد.

۱۴- پرشت گفت که در واشنگتن ایرانیانی با دفتر او تماس می‌گیرند که از طبقات متوسط و متخصصین ایران بوده و با شاه نیز مخالفت می‌کردند، ولی اکنون از ایران فرار کرده‌اند چون احساس می‌کنند برای آنها در جو سیاسی جدید جایی وجود ندارد. او از بهشتی خواست تا موضع رهبری انقلاب را در برابر این افراد و ایرانیانی که به طور فزاینده نسبت به پیشرفت انقلاب سرخورده و ناامید شده‌اند، روشن کند.

۱۵- بهشتی در پاسخ قبول کرد که انقلاب اشتباهاتی مرتکب شده است اما گفت در یک انقلاب با وسعت و سرعتی که در ایران داشت بروز اشتباهات اجتناب‌ناپذیر است. رهبری متوجه است که نمی‌تواند به دور ایران حصار بکشد و آن را از تأثیرات خارجی و منافع تجارتي و تخصصی که به آنها احتیاج دارد، منزوی سازد. رهبری انقلاب خواهان مرزهای باز با دنیای خارج می‌باشد نه مرزهای بسته. در مورد یک میلیون اقلیتی که او مشخص نمود از انقلاب حمایت کامل نمی‌کنند هم همین موضع اتخاذ می‌شود. ولی به این اقلیت اجازه داده

نخواهد شد که نظرات خود را به اکثریت ۳۵ میلیون ایرانی که از انقلاب و اهداف آن حمایت می‌کنند، دیکته کنند. اگر لازم باشد این توده‌های میلیونی جمعیت ایران راه خود را به تنهایی طی خواهند نمود و در مدت ۲۰ سال می‌توانند آنچه را که با رفتن این طبقه از دست داده‌اند و منافی که این یک میلیون اقلیت برای کشور داشته جبران کنند. در پاسخ این سؤال که آیا بهتر نیست سعی کنند حمایت این اقلیت را جلب نمایند، بهشتی تأکید کرد که هدف رهبری هم همین بوده و در جهت آن کوشش می‌کند ولی به هیچ صورتی اکثریت به این اقلیت کوچک اجازه نخواهند داد تا اهداف انقلاب اسلامی که ملت ایران خواهان آن هستند را تباه سازند. همانطور که قبلاً گفته بود این اهداف شامل جامعه‌ای می‌شود که آزاد، مترقی و پیرو اصول اسلامی باشد.

۱۶- نظریه: بهشتی شخصیت مؤثر و گیرایی می‌باشد. مطمئناً در ظاهر و اگر بتوان بر اساس این گفتگو قضاوت کرد، از لحاظ فکری و عقلی هم مؤثر و گیرا است. او با اعتماد به نفس فوق‌العاده و به طور آرام و شمرده و انگلیسی خوب، صحبت می‌کند. رفتار او در تمام مدت آرام و غیراحساسی بود. به نظر می‌رسید که او سعی داشت به ما بفهماند که بهبود روابط بیشتر به نفع آمریکا بوده تا به نفع ایران. ایران انقلابی از حمایت و تفاهم آمریکا استقبال خواهد نمود ولی به هیچ وجه به آمریکا وابسته نخواهد بود.

۱۶۰

لینکن

چرا بهشتی انتخاب شد؟

از آنجا که در ماههای نخست پیروزی انقلاب، جامعه فاقد نظم سیاسی و اجتماعی قابل قبول بود و دولت موقت در کنترل امور ناتوان به نظر می‌رسید و به شدت مورد انتقاد بسیاری از نیروهای انقلابی و گروههای سیاسی بود، دولت‌های خارجی و به ویژه دولت آمریکا درصدد برقراری ارتباط با عناصر شاخص و تأثیرگذار بیرون دولت و نزدیک به رهبری انقلاب برآمدند. اسناد به دست آمده از سفارت آمریکا و سایر یافته‌های مطالعاتی نشان می‌دهد که دولت آمریکا نسبت به دولت موقت و به ویژه مسئولان عالی‌رتبه آن شناخت کافی داشته و از میزان نفوذ آنها در سطح افکار عمومی و نزدیکی به رهبری انقلاب مطلع بوده است.

همچنین در روابط بین‌الملل مذاکرات و رایزنی‌های حساس مقطع انقلاب و دورانی که وضعیت تثبیت شده‌ای به طور کامل حاکم نشده از اهمیت فراوانی برخوردار است. در چنین شرایطی سفارتخانه‌های خارجی از طرف دولت‌های متبوع خود مأموریت دارند تا بر اساس اهمیت موضوع و میزان نفوذ در آن کشور نیروهای تازه نفس و یا کسانی که توان ایفای نقش در آن شرایط و یا پس از آن را دارند شناسایی و به گفتگو با آنها پردازند.

روشن است که آمریکا به دلیل سقوط دولت پهلوی و کاهش نفوذ در ایران به دنبال احیای موقعیت پیشین باشد. در همین راستا سفارت آمریکا به دنبال مذاکره با عناصر سرشناس سیاسی بود. البته دولت آمریکا با این پیش فرض که نظام جدید ایران دیر یا زود به یکی از دو قطب آمریکا و شوروی نزدیک خواهد شد تلاش می کرد تا پیش از نزدیک شدن به قطب شوروی، موقعیت از دست رفته را احیا کند.

در این میان مخالفت اسلام‌گرایان با کمونیسم تا اندازه‌ای خطر نزدیک شدن به شوروی را کاهش می داد و آمریکا امیدوار بود همانگونه که در پاره‌ای از کشورها از حربه مخالفت با کمونیسم به عنوان راهی برای نزدیک شدن به گروه‌های اسلامی^{۱۴} و مقابله با شوروی استفاده کرده در ایران نیز از این شیوه استفاده کند.

در عین حال برخی تحلیل‌های شفاهی اذعان می کند که در دستگاه دیپلماسی دولت آمریکا میان وزارت امور خارجه (کیسینجر) و مشاور امنیت ملی (برژینسکی) اختلافاتی در نحوه برقراری ارتباط با مقامات ایرانی وجود داشته و خط مذاکره با آیت‌الله بهشتی از طریق وزارت امور خارجه و نماینده آن در تهران (سولیوان) تعقیب می شده است.

در سند شماره ۳۶ مورخ ۱۲ اکتبر ۱۹۷۹ (۲۱ آذر ۵۸) هنری پرشت از دیپلماتهای وزارت امور خارجه آمریکا هنگام عزیمت به تهران چند پیشنهاد را مطرح می کند که درخواست ملاقات با آیت‌الله بهشتی یکی از آنهاست.^{۱۵}

در همین حال بروس لینگن آخرین کاردار سفارت آمریکا در تهران که یکی از ملاقات‌کنندگان با آیت‌الله بهشتی است در توضیح تلاش‌های خود می گوید: «فکر نمی کنم هیچ مسئول دیگری به اندازه من در جهت حل و فصل مسائل و تنگناهای موجود در زمینه روابط دو کشور تلاش کرده باشد. تلاش برای پایه‌ریزی روابط جدید با ایران، حکمی بود که من برای اجرای آن به ایران فرستاده شده بودم... تا قبل از چهارم نوامبر ۱۹۷۹ (۵۸/۸/۱۳) از سوی دولت ایالات متحده موظف بودم با هر تعداد از چهره‌های قدرتمند حکومت که می توانستم، صحبت کنم و همواره در مذاکراتم بر این نکته پافشاری کنم که آمریکا انقلاب ایران را پذیرفته است و هیچ قصدی برای بازگشت به گذشته ندارد.»^{۱۶}

وی با اشاره به مذاکره با دکتر بهشتی می‌افزاید: «من و آقای پرشت به عنوان نمایندگان دولت ایالات متحده به دنبال ایجاد درکی متقابل بودیم تا بر پایه آن روابط جدید بنیان گذاشته شوند.»^{۱۷} لینگن درباره شخصیت بهشتی می گوید: «من بسیار تحت تأثیر شخصیت آقای بهشتی قرار گرفتم. او می توانست انگلیسی را با لهجه عالی صحبت کند و این باعث می شد بتوانیم منظور یکدیگر را بفهمیم...»^{۱۸}

همچنین اسناد مختلف نشان می دهد که دیپلمات‌های آمریکایی و نخبگان سیاسی این کشور

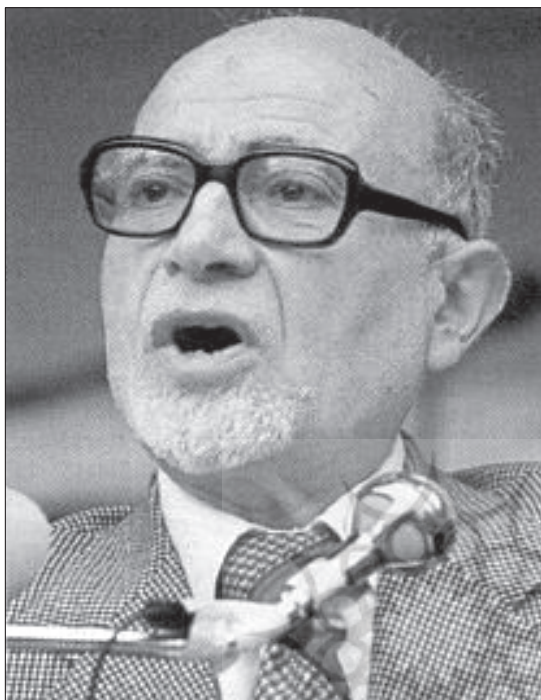


آخرین نماز آیت الله بهشتی

از مدتها قبل تحقیقات گسترده‌ای را درباره رهبری انقلاب، اطرافیان او، نهادهای انقلابی، ارتش، مراجع، شورای انقلاب، جانشینان احتمالی امام و... آغاز کرده بودند.^{۱۹} در این تحقیقات بهشتی جایگاه ویژه‌ای داشت.

جیمز بیل استاد دانشگاه تگزاس در ۲۳ مهر ۱۳۵۸ (۱۵ اکتبر ۱۹۷۹) طی سخنانی در سی و سومین کنفرانس سالانه انستیتو خاورمیانه پیرامون توان و نفوذ سیاسی اجتماعی روحانیون در سطح جامعه ایران سخن گفته و از بهشتی به عنوان یکی از رهبران مذهبی پیشرو اطراف آیت الله خمینی یاد می‌کند.^{۲۰}

پروفسور ریچارد کاتم هم پس از دیدار با امام در ۷ دی ماه ۱۳۵۷ در شهر پاریس و همچنین پس از یک روز حضور در جمع اطرافیان و یاران امام و سفر چند روزه به تهران در گزارشی تفصیلی به سفارت آمریکا سیدمحمد بهشتی را مدیر واقعی سازمان اجرایی امام و انقلاب در داخل کشور معرفی می‌کند. وی مسئولیت هدایت جنبش در ایران و رابط اصلی با پاریس را بهشتی دانسته و می‌نویسد: «آیت الله طالقانی، آیت الله رفسنجانی و آیت الله منتظری رهبران اصلی افتخاری هستند. ولی قطعاً شکی وجود ندارد که بهشتی و گروه او متشکل از روحانیون جواتر و همکاران غیرروحانی... کار اصلی را انجام می‌دهند.»



بازرگان

وی می‌افزاید: «بازرگان رهبر افتخاری مهمی است اما یک سازمانده واقعی نیست».^{۲۱}

مهندس علی‌اکبر معین‌فر عضو شورای انقلاب درباره علت ملاقات با شهید بهشتی می‌گوید: «ایشان در آن زمان علاوه بر اینکه دبیر شورای انقلاب بوده‌اند، نایب رئیسی مجلس بررسی پیش‌نویس قانون اساسی و دبیرکلی حزب جمهوری اسلامی را نیز عهده‌دار بوده‌اند، بنابراین به نظر می‌رسد که از دیدگاه آمریکایی‌ها آقای بهشتی به عنوان یک آلترناتیو قدرت مطرح بوده و به همین دلیل با او دیدار شده است».^{۲۲}

در یکی دیگر از اسناد ضمن اشاره به احزاب و گروههای فعال

در صحنه انقلاب به اهمیت جایگاه حزب جمهوری اسلامی اشاره شده و آمده است: «حزب جمهوری اسلامی به وسیله شخص مورد اعتماد خمینی، عضو سرشناس شورای انقلاب، دکتر محمد بهشتی اداره می‌شود و در حال حاضر از بیشترین میزان حمایت مردمی در میان دیگر احزاب سیاسی ایران برخوردار است».^{۲۳}

مطالعه سایر اسناد نیز حاکی از این است که در آستانه انقلاب و یا پس از آن دیپلماتهای آمریکایی با افراد و گروههایی که احساس می‌شد دارای توان و نفوذ سیاسی اجتماعی هستند ملاقات‌هایی داشته‌اند.^{۲۴}

نکته جالب توجه این است که در گزارشهایی که توسط اعضای سفارت تهیه شده در برخی اسناد مقابل نام آیت‌الله بهشتی این عبارت آمده است: «شناخته شده برای سفارت، یکی از رهبران اصلی جناح خمینی».^{۲۵}

همچنین صریحاً ادعان می‌شود که در میان نزدیکان رهبر انقلاب، دکتر بهشتی از معدود چهره‌هایی است که با گروهها و طیف‌های مختلف صنفی و سیاسی دیدار و گفتگو دارد و بعضاً

پیام‌های آنها از طریق بهشتی به امام منتقل می‌شود.^{۲۶} البته دیپلمات‌های سایر کشورها نیز به بهشتی نگاهی توأم با احترام داشته‌اند. هنری پرشت از دیپلمات‌های وزارت خارجه آمریکا که خود یکی از دیدارکنندگان با بهشتی بوده در گزارشی ضمن اشاره به ملاقات با سفیر شوروی می‌نویسد: «به نظر وینوگرافوف بهشتی زیرک‌ترین و سیاستمدارترین فرد از میان رهبران دینی بود.»^{۲۷}

مجموع اسناد و مدارک این بخش نشان می‌دهد که سفارت آمریکا با ارزیابی و شناخت دقیق از شخصیت و نفوذ سیاسی اجتماعی شهید بهشتی به دنبال مذاکره با کسی بودند که از هر نظر مناسب و برخوردار از توان سیاسی و تشکیلاتی بالا در ساختار رهبری انقلاب باشد تا از طریق او بتوان به تعامل با رهبران انقلاب از یک سو و اصلاح نگاه منفی آنان به آمریکا و توجیه پذیرش شاه در آمریکا از سوی دیگر پرداخت.^{۲۸}

چرا اسناد منتشر نشد؟

یکی از سئوالات و ابهامات مطرح شده پیرامون اسناد مذاکرات آیت‌الله بهشتی این است که چرا اسناد مذکور به محض کشف منتشر نشده است.

۱۶۴

برخی مدعی‌اند این سند از دیدگان مخفی و از انتشار بازماند تا چهره انقلابی آن روحانی بانفوذ، غیر رادیکال جلوه نکند و حساب او از حساب بازرگان و یزدی و امیرانظام و امثال آنها جدا بماند.^{۲۹}

این در حالی است که بهشتی خود بارها خواستار انتشار اسناد شده بود و از شیوه کار دانشجویان نیز انتقاد داشت. بهشتی در اظهارنظری گفته بود: نظر ما این است که مدارک سیاسی در یک کشور به اطلاع ملت برسد، منتها آن شیوه‌ای که تا حالا عمل شده بود، سه تا عیب داشت: «یک عیب این بود که همه اوراق و اسناد مربوط یک فرد یا یک مؤسسه باید ارائه بشود، تا مردم بتوانند جمع‌بندی کامل کنند. در برخی موارد، گفته می‌شود که همه اوراق یک جا ارائه نمی‌شود. خوب اگر قرار است مردم درباره یک فرد یا مؤسسه چیزی بدانند باید همه اوراق آنجا را بخوانند تا بتوانند جمع‌بندی کنند. نقص دوم این بود که باید همان شب که این اوراق از رادیو تلویزیون و روزنامه‌ها پخش می‌شود آن فرد یا گروه هم بتوانند بیایند توضیح بدهند. تنها به قاضی رفتن درست نیست و ملت قاضی است، فرمولی را هم که برای این کار در نظر گرفته و پیشنهاد کرده و ان‌شاءالله امیدواریم که به زودی مطرح بشود و رویش بحث بشود، این است دانشجویان کلیه اسناد مربوط به فرد یا گروه را فتوکپی‌اش را در اختیار او بگذارند (اگر هم می‌ترسند که فرار کند، قبلاً بگویند تا یک ترتیبی داده شود که فرار نکند). تا او مطالعه کند و توضیحات خود را بدهد و از



اسناد خرد شده سفارت آمریکا پیش از دستیابی دانشجویان پیرو خط امام

توضیحاتش نوار صدا و تصویر برداشته شود و از افشای دانشجویان هم نوار، اسلاید و صدا و فیلم گرفته شود و بعد هر شبی که اینها می‌خواهند نشان بدهند، قبلاً اعلام کنند که افشاگری می‌شود، با طرف مقابل که مردم وقتی افشاگری تمام می‌شود، تلویزیون خود را خاموش نکنند و بدانند که طرف مقابل هم بعد صحبت خواهد کرد، تا همه را یک جا گوش کنند، ببینند و قضاوت کنند و از نظر ما این با عدل اسلامی سازگار است. عیب سومی که در کار دانشجویان وجود دارد، این است که تا حالا جز در یک مورد که در رابطه با روزنامه جمهوری اسلامی بوده در بقیه موارد، همه اسناد مایوس کننده و منفی پخش شده است. اگر راجع به افراد، گروه‌ها و مؤسسات دیگر، اسناد مثبت وجود دارد، اینها را هم نشان دهند که مردم به سمت بدبینی و یأس کشانده نشوند. سوق دادن به بدبینی خطر بزرگی است برای جامعه با وجودی که برادران دانشجو معایبی هم در کارشان بوده ولی اگر این ۳ اصل را رعایت کنند و کلیه اسناد را هم یک جا جمع کنند و در عرض یکی دو هفته افشا کنند چون مردم را در انتظار گذاشتن تزلزلی در روحیه‌شان به وجود می‌آورد و این به نفع انقلاب نیست.»^{۳۰}

ابراهیم اصغرزاده از عناصر مرکزی دانشجویان پیرو خط امام درباره علت عدم انتشار اسناد مرتبط با شهید بهشتی می‌گوید: «اگر آن مذاکرات منتشر نشده شاید به همین دلیل بوده که برای ما

قابل قبول بوده است. آن سند همان زمان ترجمه شد و یک نسخه آن به خارج از لانه درز پیدا کرد و منتشر شد. در آن ملاقات که درخواست آن هم از طرف لینکن بوده آقای بهشتی مواضع نیروهای انقلابی را تشریح می‌کند و می‌گوید که نظر امام این است که ما منزوی نباشیم و با آمریکا و غرب رابطه قابل قبولی داشته باشیم. [...] در همین سند هم وقتی آمریکایی‌ها درباره شخصیت آقای بهشتی نظر می‌دهند یک استواری و اعتقاد محکم به انقلاب را در ایشان می‌بینند.^{۳۱}

وی درباره تفاوت ملاقات‌ها و اسناد آنها می‌گوید: «حساب چهره‌هایی که عامل جاسوسی بودند مشخص و جدا بود. اما درباره چهره‌های سیاسی مسئله متفاوت بود. برخی از آنها از موضع وادادگی مذاکره می‌کردند و برخی افراد ما از موضع اصولی و ملی. مثلاً سندهایی که به آقای امیرانتظام مربوط بود حکایت از یک ملاقات رسمی و دیپلماتیک نداشت [...] اما برخی ملاقات‌ها مثل همین ملاقات آقای بهشتی و اعضای سفارت بوده است. آقای بروس لینکن که کاردار سفارت بود تقاضای ملاقات با آقای بهشتی می‌دهند و این ملاقات صورت می‌گیرد. صحبت‌ها در این ملاقات در حد مذاکره دیپلماتیک است و طرفین شأن ملی برای خودشان قائل هستند. صحبت‌های آنها اگر چه ظاهراً محبت‌آمیز است اما کاملاً دیپلماتیک است.»^{۳۲}

نکته حائز اهمیت در روند انتشار اسناد این است که برخی شیوه و روش دانشجویان در انتشار اسناد را به تصمیم نظام نسبت داده‌اند. در حالی که نظام مدیریتی کشور در آن مقطع زمانی از انسجام کافی برخوردار نبود و برخی دستگاه‌ها هنوز به لحاظ رسمی شکل نگرفته بودند. اگر ادعا شود که به واسطه رفت و آمد برخی دانشجویان و ارتباط آقای سیدمحمد موسوی خوئینی‌ها با دفتر امام، اسناد مطابق نظر امام منتشر می‌شده در آن صورت باید گفت، امام اساساً فرصت و انگیزه‌ای برای مطالعه تک تک اسناد نداشته و چنانچه نظری هم داده کلی و به صورت توصیه و راهبردی بوده است.

یک عضو مرکزی دانشجویان پیرو خط امام در این باره می‌گوید: «اسناد را پیش امام بردند و امام این حرکت را تأیید کردند و یک توصیه کردند به این معنی که شما از هر کس سند به دست آوردید، افشا کنید حتی از خود من. ولی کسی را که قصد خیانت نداشته‌اند لجن مال نکنید.»^{۳۳}

بر این اساس امام نه درباره فرد خاصی که درباره همه افراد یک توصیه کلی داشته و نمی‌توان آنچه که درباره سند آیت‌الله بهشتی انجام شده است را به ایشان نسبت داد. ضمن آنکه امام معمولاً نظرات خود را صریح بیان می‌کرد و این مطلب موضوعی نبود که بتوان آن را به راحتی مخفی نگه داشت.

همچنین دانشجویان به دلیل حق ویژه‌ای که برای خود قائل بودند در انتشار و یا عدم انتشار اسناد چندان به دنبال کسب نظر مقامات سیاسی نبودند و تصمیم پیرامون آنها در حلقه مرکزی

دانشجویان پیرو خط امام اتخاذ می‌شد.

از سوی دیگر دانشجویان اسناد مرتبط با چهره‌های دیگری را نیز منتشر نکردند که مهم‌ترین آنها ابوالحسن بنی‌صدر بود. اسناد بنی‌صدر به ارتباط وی با یک شرکت آمریکایی که عناصر اصلی آن وابسته به سازمان سیا بودند، مرتبط می‌شد.^{۳۴}

از نظر دانشجویان به دلیل عدم اطمینان از سوءنیت بنی‌صدر و به دلیل عدم اطلاع او از اهداف و عملکرد شرکت مذکور از انتشار اسناد پرهیز شد. اگر چه به دلیل نزدیک بودن زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری انتشار اسناد احتمالاً در سرنوشت انتخابات تأثیرگذار بود.

جالب این است که سازمان مجاهدین خلق تنها به سند بهشتی حساسیت داشت و درباره سایر اسناد چندان علاقه‌ای نشان نمی‌داد. در حالی که سند مذاکره آیت‌الله بهشتی از نظر محتوایی ابهام و اشکال خاصی نداشت و در تخریب چهره بهشتی چندان مؤثر واقع نمی‌شد اما برخی دیگر از اسناد به واسطه محتوای آنها ممکن بود آثار تخریبی فراوانی به دنبال آورد.

البته به رغم اصرار بهشتی مبنی بر انتشار کامل سند دانشجویان از چاپ آن خودداری کردند که هنوز علت دقیق آن روشن نیست. در این زمینه دو گمان را می‌توان مطرح کرد. اول اینکه عناصر نفوذی سازمان به رغم انتشار ناقص سند در نشریه مجاهد از چاپ رسمی و کامل آن ممانعت به عمل آوردند تا فضای ملتهد و مشوه علیه بهشتی را تداوم دهند. دوم اینکه دانشجویان علاقه‌مند به شهید بهشتی و حزب جمهوری اسلامی بر اساس یک محاسبه شتاب‌زده به منظور مقابله با آثار و بازتاب‌های منفی سند از چاپ کامل آن ممانعت به عمل آوردند.

نکته مهم دیگری که در انتشار اسناد قابل طرح است اینکه در ابتدا ترجمه اسناد به دلیل عجله و عدم اشراف کافی به تعبیر و واژه‌های تخصصی بعضاً از دقت کافی برخوردار نبود. چنانچه بعدها تفاوت‌های اساسی میان ترجمه اسناد مشاهده شد. ضمن آنکه ممکن بود مترجم بر اساس سلیقه‌های شخصی تصرفاتی را در متن اعمال کند همانگونه که در متن منتشر شده توسط نشریه مجاهد این موضوع به خوبی قابل مشاهده است.

البته از این امر نیز نباید غافل بود که سند مرتبط با آیت‌الله بهشتی برداشتی است که طرف آمریکایی از این ملاقات داشته و ممکن بود در صورت ثبت مذاکرات توسط طرف ایرانی برداشت‌های متفاوتی ارائه می‌شد که در ارزیابی‌ها مؤثر بود؛ هر چند که همین متن نیز فاقد نقص و ضعف مشخص است.

سازمان مجاهدین خلق (منافقین) و آیت‌الله بهشتی

برای رسیدن به پاسخ این سؤال که هدف سازمان از تخریب بهشتی و فضا سازی‌های کاذب

پیرامون مذاکرات او با دیپلمات‌های آمریکایی چه بوده است باید نگاهی هرچند گذرا به سیر روابط بهشتی با این سازمان و همچنین وضعیت گروه رجوی در مقطع تصرف سفارت آمریکا انداخت.

آیت‌الله بهشتی یکی از روحانیون برجسته و شناخته شده معاصر است که از یک سو به دلیل تحصیلات بالای حوزوی و دانشگاهی و از سوی دیگر به دلیل زندگی در آلمان و ارتباط با محافل علمی و روشنفکری اروپا از نزدیک با مباحث روز و بویژه معضلات فکری جوانان که بعضاً از آن سوی مرزها به داخل کشور وارد می‌شد آشنا بود. بهشتی همچنین به دلیل قابلیت‌های بالای شخصیتی همواره مورد توجه نخبگان حوزوی، دانشگاهی و سیاسی و اجتماعی بود. محمد حنیف‌نژاد از مؤسسين و عناصر مسلمان سازمان مجاهدین با آیت‌الله بهشتی ارتباطی نزدیک داشت و از راهنمایی‌ها و توصیه‌های او بهره می‌برد. این ارتباط با شهادت حنیف‌نژاد قطع شد و رفته رفته اعضای مرکزی سازمان در زمره مخالفان بهشتی قرار گرفتند.^{۳۰} بعدها مخالفت با بهشتی به دشمنی و کینه‌ای عمیق مبدل گشت و تا طراحی ترور او نیز پیش رفت. وحید افراخته و تقی شهرام که هر دو از همفکران مسعود رجوی بودند در اعترافات مرتبط با شهادت مجید شریف‌واقفی تصریح می‌کنند که قصد داشته‌اند به گونه‌ای که کسی متوجه عاملان نشود بهشتی را نیز ترور کرده و از سر راه بردارند.^{۳۱}

تحلیل اینکه چرا سران سازمان پس از کودتای مارکسیستی تصمیم به ترور و حذف افرادی مانند بهشتی گرفته‌اند چندان سخت نیست. بهشتی به دلیل دانش دینی، فن سخنوری، قلم روان و ارتباطات گسترده از توان بالایی در جذب جوانان و پاسخگویی به سئوالات و رفع شبهات آنها برخوردار بود. ضمن آنکه او از معتقدین و مدافعان حرکت دینی بود و این ویژگی برای سران مارکسیست سازمان مطلوب نبود.

وضعیت سازمان پس از انقلاب

با پیروزی انقلاب اسلامی، بسیاری از گروه‌های سیاسی با استفاده از فضای آزاد کشور اقدام به جذب نیرو و کار تبلیغاتی گسترده کردند. در چنین شرایطی سازمان نیز با سوءاستفاده از برخی آشفتگی‌های اجتماعی و بی‌ثباتی‌های مدیریتی از طریق مجامع عمومی، مساجد، رادیو و تلویزیون، مطبوعات، کانون‌های فرهنگی و... ضمن گسترش دامنه فعالیت‌های خود به یاریگیری، افزایش نفوذ در دستگاه‌های حکومتی و کسب قدرت بیشتر مبادرت ورزید.

سازمان از بدو پیروزی انقلاب با بحران‌سازی‌های کاذب و الگوداری از شورشگری اجتماعی به دنبال تحت‌تأثیر قرار دادن فضا و جذب نیرو بود. راهپیمایی، تحصن، درگیری خیابانی و تجمع



سیاسی از جمله شیوه‌های سازمان بود.^{۳۷}

از آنجا که شورشگر اجتماعی همیشه به یک هدف ثابت و گاه موهوم احتیاج دارد تا همه کینه‌ها و نابسامانی‌ها را متوجه او سازد ترویج شایعات نسبت به رهبران انقلاب بیشترین سهم را در فعالیتهای تبلیغاتی آنان داشت.

متهم کردن نظام و رهبران آن به سازش با آمریکا از اتهامات رایج آن دوران بود چرا که سازمان خود را پیشقراول مبارزه با امپریالیسم معرفی می‌کرد.^{۳۸}

بر اساس تحلیل ادعایی سازمان «طرح‌ها و توطئه‌های قدرت‌های خارجی (امپریالیسم) عامل تغییرات در ایران هستند»^{۳۹}

این گروه مدعی بود: «پس از کنفرانس گوادلوپ امپریالیست‌ها متفق‌القول، شاه این نوکر چندین ساله را به امید یافتن روزنه‌ای برای حفظ منافع خود فدا کردند و چشم به لیبرال‌ها و واپس‌گرایان دوختند»^{۴۰}

منظور سازمان از واپس‌گرایان روحانیون و رهبران انقلاب بود.

گروه رجوی برای آنکه خود را انقلابی نشان داده و همه مبارزه را به نفع خود مصادره کنند ادعا می‌نمودند: «در رژیم گذشته سالهای سال رهبران ضعف و سازش نشان داده و سیاست صبر و سکوت پیشه کردند و خشم فروخورده توده‌های ستم‌دیده تنها از لوله تفنگ پیشتازان خلق زبانه می‌کشیده و آتش به جان دیکتاتوری و اربابش می‌زد»^{۴۱}

در چنین شرایطی تجمعات مختلف هواداران و اخبار خبرگزاریهای داخلی و خارجی پیرامون

سازمان، مسعود رجوی و اطرافیان را دچار توهم کرد و آنها را وادار نمود که در دشمنی علنی و ستیزه‌جویی با جمهوری اسلامی بیش از اندازه به نفوذ اجتماعی و قدرت نظامی خود باور داشته باشند. البته یکی از مهم‌ترین حوادثی که سازمان آن را ضربه‌ای بزرگ برای خود می‌دانست و ابتدا درصدد توجیه و پس از مدتی درصدد انتقام‌گیری از آن برآمد ماجرای دستگیری سعادت‌ی عضو مرکزی آن در ارتباط با یک پرونده جاسوسی بود.^{۴۲} سازمان که تلاش داشت چهره‌ای ضدامپریالیستی، میهنی و انقلابی از خود نشان دهد، یکبار با بحران دستگیری یکی از اعضای مرکزی خود به جرم جاسوسی علیه کشور و به نفع بیگانگان مواجه شد. مسعود رجوی و نزدیکانش به تصور اینکه چون ماجرای سعادت‌ی آسیبی جدی به حیثیت سیاسی آنها وارد ساخته به جای بازسازی چهره خود و جبران مافات مترصد فرصتی بودند تا بتوانند ضربه‌ای از همان دست را به نیروهای انقلاب و رهبران آن وارد سازند و از رهگذر این شیوه متاعی برای خود دست و پا کنند.

در همین ایام سازمان با شنیدن خبر تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان بلافاصله نیروهای خود را به مقابل سفارت کشاند و در خیابانهای اطراف به راهپیمایی و تجمع مبادرت ورزید. رجوی و همراهانش با انجام تظاهرات علیه آمریکا و حمایت از دانشجویان و راه‌اندازی بحث‌های خیابانی که عمدتاً به مشاجره ختم می‌شد تلاش داشتند تا انفعال و عقب‌ماندگی استراتژیک خود را در ادعای پیشتازی علیه امپریالیسم جبران کنند و حتی الامکان از نظر تبلیغاتی موضوع را به نفع خود مصادره نمایند.^{۴۳}

البته گروه رجوی علاوه بر اینها تلاش داشت به درون سفارت و صفوف دانشجویان خط امام هم نفوذ کند تا از یک سو با فضا سازی و اعمال فشار تبلیغاتی در بیرون سفارت به نام مردم و افکار عمومی و از سوی دیگر با نفوذ در میان دانشجویان تسخیرکننده سفارت آمریکا بر روند فعالیتهای آنها تأثیر گذاشته و به مرور هدایت آن را در دست گیرد.^{۴۴} همچنین با نفوذ در سفارت به اسناد و مدارک موجود در آن دست یافته و نه تنها از آنها در پیشبرد برنامه‌های خود سود می‌بردند که چه بسا از اسناد مذکور برای تعامل با سرویس‌های امنیتی خارجی نیز استفاده می‌شد؛ همانگونه که در ماجرای سعادت‌ی به چنین اقداماتی دست زدند. ضمن آنکه دستیابی به اسناد اساساً می‌توانست موقعیت برتری به لحاظ اطلاعاتی در رقابت با سایر گروهها برای آنها ایجاد کند.

نشریه مجاهد در شماره ۱۰۲ مطلبی را تحت عنوان ماجراهای پشت پرده گروه‌گانیگری منتشر نمود که حاکی از تلاش سازمان جهت نفوذ در صفوف دانشجویان و دستیابی به اسناد است. در بخشی از این مقاله تلاش می‌شود تا حمایت گروه رجوی جدی‌ترین حمایت از تسخیر سفارت آمریکا قلمداد گردد.

در بخشی از این مقاله که ادعا می‌شود به قلم یکی از دانشجویان پیرو خط امام نوشته شده آمده است: «در میان نیروهایی که به حمایت از ما برخاستند عملکرد مجاهدین برای من بسیار جالب توجه بود. حتی نقطه عطفی در تفکرات و مواضع آینده من شد. آنها به طور منظم و با فداکاری بسیار لحظه‌ای جلوی سفارت را ترک نمی‌کردند. در آن شب‌های سرد تا سحرگاه، با دویدن و رژه رفتن خود را گرم می‌کردند و از سفارت حفاظت می‌کردند.»^{۴۵}

تخریب بهشتی، چرا؟

آیت‌الله دکتر سیدمحمد بهشتی یکی از روحانیون سرشناس و نزدیک به رهبری نظام بود که قابلیت‌های بالای سیاسی و اجتماعی خود را در پیگیری امور مرتبط با نهضت و همچنین هدایت انقلابیون به ویژه در نهادهایی مانند جامعه روحانیت مبارز و حزب جمهوری اسلامی نشان داده بود.

از سوی دیگر بهشتی با اداره جلسات مجلس خبرگان قانون اساسی و تصدی قوه قضائیه عملاً در سازماندهی و اداره جمهوری اسلامی از جایگاهی ویژه برخوردار بود. در حقیقت بهشتی پس از امام خمینی نماد روحانیت حاضر در ساختار قدرت بود که در صورت تخریب و تضعیف او عملاً حکومت دینی و رهبران روحانی آن مورد حمله قرار می‌گرفتند. ضمن آنکه نفوذ معنوی امام در شرایطی بود که امکان تضعیف و تخریب آن محال بود و منجر به بدنامی تخریب‌کنندگان می‌شد.

گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی البته نیم‌نگاهی هم به آینده نظام داشتند و تصور می‌کردند بهشتی می‌تواند نجات‌بخش آن باشد. برخی گروه‌های چپ در اظهار نظرهای مختلفی در این باره گفته بودند: «بی‌شک کسی که این مملکت را نجات می‌دهد همین آقای بهشتی است.»^{۴۶}

اعضای گروه رجوی هم با توجه به نقش بهشتی در معماری نظام و نزدیکی اش با امام، تضعیف و تخریب او را موجب تضعیف و تخریب رهبری نظام و انقلاب می‌دانستند. یک عضو جدا شده از این گروهک در این زمینه می‌گوید: «من به خوبی شایعات و مطالبی که با هدف تضعیف و تخریب آقای بهشتی مطرح می‌شد به خاطر دارم. از نظر مسعود رجوی اگر همه مسئولان نظام یک بودند، بهشتی یک و نیم بود و از این نظر جایگاه مهمی داشت و با سایرین متفاوت بود. لذا به هر شکلی باید تضعیف و تخریب می‌شد. به همین دلیل بچه‌هایی که در کارهای تبلیغاتی و از جمله نشریه کار می‌کردند در این زمینه تلاش زیادی به خرج دادند. در حقیقت این شیوه برخورد پیروی از جمله معروف گوبلز وزیر تبلیغات دولت نازی‌های آلمان است که گفته بود زمانی که قدرت تخریبی توپ و تانک کارگر نیست شایعه بهترین سلاح تخریبی است.»^{۴۷}



ژنرال هایزر

مشکل دیگر مسعود رجوی، حزب جمهوری اسلامی و گسترش تشکیلاتی آن در سراسر کشور بود. سازمان مجاهدین هیچ‌گاه تصور نمی‌نمود تعدادی از روحانیون نزدیک به رهبری انقلاب در کنار جمعی از نیروهای مسلمان و مبارز به سرعت بتوانند تشکیلاتی را به این وسعت در کشور راه‌اندازی و اداره کنند. سازمان که مایل بود در قامت یک تشکل سیاسی بدون رقیب در فضای سیاسی کشور به فعالیت پردازد حزب جمهوری اسلامی را رقیبی جدی برای خود می‌دانست که دکتر بهشتی به عنوان دبیرکل آن بیش از سایرین مورد حقد و کینه سازمان قرار می‌گرفت.^{۴۹} البته اعضای سازمان

۱۷۲

به دلیل مخالفت با اصول قانون اساسی که بهشتی را دست‌اندرکار اصلی تدوین آن می‌دانستند نیز با او مشکلی عمیق داشتند.^{۴۹} اگر چه برخی برخوردها با اعضای سازمان به دلیل اقدامات خشن و خارج از ضوابط عرفی و قانونی آنها نیز موجب شده بود تا مسئولیت این برخوردها را نیز متوجه بهشتی بدانند.^{۵۰}

ملاقاتی که انجام نشد

یکی از ادعاهای مطرح شده علیه دکتر بهشتی موضوع ملاقات وی با ژنرال هایزر است. این ادعا به دفعات از سوی برخی نیروهای منتقد جمهوری اسلامی مطرح و بازتاب‌هایی نیز ایجاد شد.

از جمله کریم سنجابی در این زمینه می‌گوید: «ژنرال آمریکایی (هایزر) با تعلیماتی که از مقامات مربوطه خود داشت با بعضی از عناصر روحانیت و غیرروحانی انقلاب وارد ارتباط شده بود. بر حسب اطلاعاتی که من داشتم و بعد هم تأیید شده او مکرر با افرادی مثل مهندس بازرگان و ناصر میناچی و

[آیت‌الله] بهشتی ملاقات می‌کرد. همین آقایان از طرف دیگر با سالیوان و مأمورین سفارت آمریکا که نظرهای متفاوتی با هایزر داشتند در ارتباط بودند. تمام این ارتباطات شواهد غیرقابل انکار از مداخلات غیرقانونی و جاهلانسه آمریکاییان در امور داخلی ایران و ارتباط مستمر بعضی از عناصر انقلاب با آنهاست.^{۵۱}

این در حالی است که هایزر خود در این باره می‌گوید: «سفیر سولیوان به من گفته بود که شخصیت‌هایی از میان رهبری جناح مخالف نظیر بازرگان و آیت‌الله بهشتی می‌توانند با رهبری ارتش ملاقات کنند. به همین جهت من نام و شماره تلفن آنها را با خود برده بودم تا آنها را وادار سازم در جهت ترتیب ملاقات‌هایی با آنها بکوشند...»

هایزر با آنکه به تلاش برای ملاقات با بهشتی اشاره می‌کند اما سخنی از ملاقات و گفتگو با بهشتی به میان نمی‌آورد.^{۵۲}

آیت‌الله بهشتی خود نیز در پاسخ به سئوالی پیرامون شایعه ملاقات با ژنرال هایزر، ضمن تکذیب این ادعا به تشریح چگونگی ملاقات‌های اعضای شورای انقلاب و دیدگاه خود در این زمینه پرداخته و می‌گوید: «قبل از اینکه من از طرف امام به عضویت شورای انقلاب برگزیده شوم اصولاً خط سیاسی و اجتماعی مبارزاتی‌ام خطی بود که تماس با پیگانگان جزو آن نمی‌آید...»

بنابراین حاجتی به هیچ‌گونه تماس با هیچ گروهی از داخل و خارج از آنهايي که خارج این خط بودند نمی‌دیدم. ولی پس از اینکه من به عضویت در شورای انقلاب انتخاب شدم، شورای انقلاب از طرف امام موظف بود کلیه مسائل مربوط به تداوم انقلاب را در ایران زیر نظر بگیرد. و چون، چه مقامات داخلی و چه مقامات خارجی فهمیده بودند که یک عده‌ای با امام طرف مشورت هستند، در موقعی که امام در پاریس بودند، و شورا تشکیل شده بود و یک بار هم امام فرموده بودند که شورای انقلاب تشکیل شده و اعضایش هم در ایران هستند. به هر حال، تحت این عناوین، برای افرادی از شورای انقلاب پیغامهایی می‌دادند تماس‌هایی می‌خواستند بگیرند. اینگونه تماس‌ها از طرف نمایندگی‌های سیاسی خارجی (سفارت آمریکا و دیگران) پیشنهاد می‌شد و هم از طرف مقامات داخلی (ارتش، بختیار و دیگران) ما در این موارد، در آن موقع که دیگر مسئولیت سیاسی داشتیم در مورد مسائل در شورا بحث می‌کردیم و به رأی می‌گذاشتیم. اگر مسئله برای ما خیلی روشن بود خود ما تصمیم می‌گرفتیم. اگر مسئله کمترین ابهامی داشت با وسائلی که داشتیم به امام خبر می‌دادیم و کسب نظر می‌کردیم. به دنبال کسب نظر، امام یا تصمیم را به خود ما واگذار می‌کردند، عمل می‌کردیم یا رهنمودی داشتند رهنمود ایشان را انتخاب می‌کردیم. در آن دوره پیش از پیروزی انقلاب و بعد از پیروزی انقلاب کسانی از سفارت آمریکا آمده‌اند مسائلی را مطرح کرده‌اند، کسانی از ارتش آمده‌اند، مسائلی را مطرح کرده‌اند ولی در آن کسانی که از سفارت آمریکا آمده‌اند گفتیم من یادم نمی‌آید دیداری با هایزر داشته باشم. اگر

هایزر هم بود در همین فرمول بود ولی یادم نمی‌آید. چنین چیزی تحت این عنوان نبود... اصولاً در دنیا تماس سیاسی با دیگران داشتن، اجتناب‌ناپذیر است. در موارد معینی با صراحت این را اعلام کرده‌ام که اگر رهبران و مسئولانی در جامعه به جای داشتن موضع قدرت، روشن بروند سراغ مقدس‌سازی سیاسی (مقدس‌سازی سیاسی این است که یک نفر که یک مسئولیت سیاسی دارد بگوید اصلاً نمی‌پذیرم با یک خارجی یک کلمه حرف بزنم که مبدا جامعه ما را بدنام کند) من این روحیه را همواره به عنوان یک ضعف نامیده‌ام. می‌گویم یک آدم قوی از برخورد با دشمن در موقعیت‌های مناسب نه تنها سرباز نمی‌زند بلکه حسن استفاده می‌کند.»^{۵۳}

آیت‌الله بهشتی در ادامه توضیحاتی که به صورت پراکنده و از طرق مختلف مطرح می‌کرد با شرکت در یک مصاحبه تفصیلی با مجله اطلاعات هفتگی تلاش کرد تا پاسخ بسیاری از شایعات و شبهات مطرح شده پیرامون خود را بدهد. اما این مصاحبه تا زمان شهادت او امکان انتشار نیافت. عدم چاپ این مصاحبه که مطالب مهمی را دربر دارد و مطلوب جریان شایعه‌ساز نبوده حاکی از عمق فتنه‌ای است که برای بدنام‌سازی رهبران انقلاب و مسئولان عالی‌رتبه نظام تدارک دیده شده بود. در این مصاحبه آمده است:

○ آقای بهشتی به طور صریح و رک نظر تان را راجع به سازش و سازشکاری بگویید.

● درباره سازش نظر خودم را مکرر اعلام کرده‌ام. به نظر من انقلاب اسلامی ایران وقتی می‌تواند موفقیت‌آمیز به جلو برود که هیچ‌گونه سازش با قدرتهای بیگانه در طرح و نقشه رهبری انقلاب و اداره انقلاب رخنه نکند. البته به نظر من دو نوع سازش وجود دارد در عالم سیاست که فکر می‌کنم هر دو مورد باشند؛ یکی سازش خیانتکارانه و دیگری سازش مصلحت‌اندیشانه است. من شخصاً هر دو نوع سازش را رد می‌کنم. در مورد سازش خیانتکارانه مطلب روشن است. کسانی هستند که برای اینکه در یک کشوری در دنیای سوم به حکومت برسند می‌آیند و با آن ابرقدرتی که حامی حکومت وقت است وارد مذاکره می‌شوند و زیر پای حکومت قبلی را خالی می‌کنند تا خودشان با حمایت آن ابرقدرت جای او بنشینند. این سازش خیانتکارانه است و معمولاً در این رویه، اینگونه افراد یا گروهها مجبور می‌شوند امتیازی به آن ابرقدرت بدهند تا او را راضی کنند تا اینکه خودشان جانشین حکومت قبلی باشند. نوع دوم سازش، این است که یک گروه علاقه‌مند به مصلحت ملت و کشور، خط مشی سیاسی انتخاب کرده که در آن خط‌مشی سیاسی معتقد است به جای مبارزه قوی و نیرومند با ابرقدرتهای استعمارگر بیاید و با آنها وارد مذاکره هم بشود و به خیال خودش آنها را هم قانع کند که دست از سر یک کشور دنیای سوم و یک ملت دنیای سوم بردارند و بخواهد با منطق، آنها را از استعمار و استثمار منصرف کند. بی‌آنکه واقعاً بخواهد به ملت خودش خیانتی کند. به این می‌گوییم سازش مصلحت‌جویانه و از نظر من این نوع سازش

هم محکوم است.

○ چرا اسناد دیدار شما با نمایندگان سفارت آمریکا در لانه جاسوسی افشا نمی‌شود. فقط اسناد

بازرگان که نماینده شورا و دولت بود و مصوبات شما را اجرا می‌کرده فاش گردیده است؟

● اگر در اسناد موجود در سفارت، نوشته‌هایی باشد که در آنجا نوشته باشند (همه این یک یا دو نوبت قبل از پیروزی، شاید یک نوبت بعد از پیروزی اینها آمده‌اند و صحبت کرده‌اند) نشان دهنده این بوده است که با یک عنصر نفوذناپذیر و اغفال‌ناپذیر سر و کار دارند، این فرزندان شجاع ملت باید اینها را منتشر کنند که آن وقت همه شما اینها را طعن و لعن می‌کنید که اینها رفته‌اند برای فلانی تبلیغات راه بیندازند.

○ بفرمایید که برای اولین بار با این ژنرال آمریکایی چطور آشنا شدید و سابقه آشنایی و ملاقات

به چه صورت بوده است؟!

● با کدام ژنرال؟!

○ ژنرال هایزر.

● من با ایشان آشنایی نداشته‌ام و تا آنجا که به خاطر دارم ملاقاتی هم نداشته‌ام. در موقعی که شورای انقلاب تشکیل شده بود این صحبت به میان آمد که سران ارتش از طریق آقای «مهندس بازرگان» تماس گرفته بودند چون آن موقع آقای «مهندس بازرگان» هم عضو شورای انقلاب بودند. سران ارتش از طریق آقای مهندس بازرگان تماس گرفته بودند که می‌خواهند با بعضی از اعضای شورای انقلاب ملاقاتی داشته باشند. از جمله پیشنهاد شد که در این ملاقات من هم شرکت کنم ولی من به دلایلی در این ملاقات شرکت نکردم، اگر «هایزر» در آن جمع سران ارتش در آن موقع بوده و ملاقاتی با بعضی از اعضای شورای انقلاب که در آن جمع حضور داشتند، داشته اطلاعاتی ندارم ولی تا آنجا که به خاطر دارم با او هیچ‌گونه ملاقاتی نداشته‌ام. یک بار هم چند نفر از مسئولان برای مسئله معامله گندمی که با ایران داشتند، طلبی که بابت حمل و نقل گندم داشتند مراجعه کردند باز هم این پس از پیروزی انقلاب بود و فکر نمی‌کنم در میان آنها هم معنی داشته که «هایزر» شرکت کند چون مسئله پیرامون طلب بابت معامله گندم بود. به هر حال اگر هایزر به صورتی که من او را نمی‌شناختم در یکی از این برخوردهایی که روی مسائل ایران بوده حضور داشته، نمی‌دانم. ولی هیچ‌وقت با شخصی به نام «هایزر» دیداری روی نداده، در عین حال لازم می‌دانم این مطلبی را که اگر حل و فصل مسائل ایران ایجاب می‌کرد که «هایزر» را بپذیرم می‌پذیرفتم. آنچه می‌گویم فقط به عنوان این است که چنین واقعیتی نبوده است و نمی‌خواهم بگویم آن دوستانی که رفته‌اند و صحبت کرده‌اند کار بدی کرده‌اند چون آنها هم بر طبق وظیفه‌ای که شورای انقلاب به عهده آنها گذاشته بوده عمل کرده‌اند.

○ حضرت تعالی ملاقاتی با «هایزر» نداشته‌اید ولی این احتمال وجود دارد که افراد دیگری که قبل از تشریف‌فرمایی «امام» به ایران در شورای انقلاب عضویت داشتند با این ژنرال آمریکایی مصاحبه و مذاکره کرده باشند؟

● احتمالاً! از این جمع ارتشی‌ها...

○ هیچ اطلاعی ندارید که چه اشخاصی ممکن است با وی ملاقات کرده باشند؟!

● الان دقیقاً یادم نیست. چون باید از خود آنها سؤال کرد. شاید آقای «مهندس بازرگان» که بیشتر در جریان بودند بهتر بتوانند خاطر ایشان را در اختیار تان قرار دهند.

○ صحبت از این هست که حضرت آیت‌الله طالقانی و آقای مهندس بازرگان و جمعی دیگر با آقای هایزر ملاقات داشته‌اند...

● همانطور که گفتم دقیقاً به یاد ندارم و آقای مهندس بازرگان بهتر به یاد دارند این مسائل را...

○ آقای دکتر موقعی که «امام» پاریس تشریف داشتند حضرت تعالی در آنجا شاهد نبودید که «رمزی کلارک» با بعضی از مقامات ایرانی تماس گرفته باشند؟

● آن وقت که من پاریس بودم، نه! باز هم می‌گویم وقتی من پاریس بودم کارهای خودم را انجام می‌دادم. یعنی وظیفی را که به دوش خودم بود. چه بسا آن موقع آنها هم بودند و من متوجه نبودم و در جریان نبودم...

○ در خبرهای آن موقع روزنامه‌های غربی بود که حتی «رمزی کلارک» با «امام» ملاقات کرده بود.

● ببینید، آن موقع دیدار خارجی‌ها خیلی زیاد بود. در داخل ایران هم هر روز عده‌ای می‌آمدند و می‌خواستند با ما گفتگو کنند و همه خواستار این بودند که نقطه‌نظرهای همه را درباره انقلاب بدانند و این هجوم بر امام در پاریس از همه بیشتر بود. من شاهد هجوم دیدارکنندگان خارجی بر «امام» بودم، در آن چند روزی که در پاریس بودم. در میان اینها آیا آقای «رمزی کلارک» بوده یا نه، اطلاع دقیقی ندارم.

○ با توجه به فرمایشات حضرت تعالی پس ما می‌توانیم در اینجا یک خط پایانی بر تمام شایعات مربوط به ملاقات «هایزر» با شما بکشیم و شما هیچ ملاقاتی با ایشان نداشته‌اید و احتمال دارد که کسان دیگری از جمله آقای مهندس بازرگان با ایشان ملاقات کرده باشند.

● بله می‌توانید خط پایان بکشید به اضافه این نکته که گفتم. و من دوستانی را که با مأموریت از طرف شورای انقلاب با هایزر و هر فرد خارجی دیگر ملاقات کرده باشند آنها را محکوم نمی‌دانم. برای اینکه این طبیعی است که در اداره یک انقلاب و در راه یک جامعه ما باید با نمایندگان دشمن هم صحبت بکنیم. مهم این نیست که کسی با کسی صحبت کند مهم این است که چگونه صحبت

می‌کند و از چه موضعی صحبت می‌کند و من مکرر گفته‌ام که آنچه مهم است این نیست که افراد با نمایندگان خارجی صحبت می‌کنند یا نه، این مسئله اصلاً نباید به عنوان یک مسئله ناپسند و نامطلوب مطرح شود تا روی آن شایعه به وجود بیاید. مهم این است که اگر افراد صحبت می‌کنند چگونه صحبت می‌کنند. با خود من نمایندگان از خارج صحبت کرده‌اند و بعد که اسناد لانه جاسوسی را درآوردند توی یکی از همان اسناد این جمله آمده است و همانهایی که با من صحبت کردند این جمله را نوشته‌اند: «او را به هیچ عنوان نمی‌توان فریب داد.» خُب، این دیدار، یک دیدار مثبت است نه دیدار منفی. این است که اصولاً می‌خواهیم ملت ما در این جهت موضعگیری صحیح داشته باشد. موضعگیری صحیح این است که چگونه برخورد کنیم. اما در اصل برخورد اشکالی نیست. بله از وقتی که پس از اشغال لانه جاسوسی امام به عنوان رهبر دستور دادند که به طور کلی با نمایندگان آمریکا مستقیم یا غیرمستقیم کسی صحبت نکند از آن موقع به بعد اگر کسی صحبت کرده باشد خطا کرده است...

○ پس از روی کار آمدن بختیار به فاصله چند روز ارتشبد قره‌باغی اعلامیه بی‌طرفی ارتش را صادر کرد. در صورتی که تا چند روز قبل از آن اعلامیه‌هایی که می‌داد تماماً حاکی از طرفداری از نظام شاهنشاهی بود. بعد شایع شد که قره‌باغی تماس‌هایی با شورای انقلاب داشته و به اصطلاح برای جان خودش امان گرفته و این اعلامیه را صادر کرده است...

● قبلاً گفتم که سران ارتش می‌خواستند که دیداری داشته باشند که قره‌باغی هم جزو سران ارتش بود و چند تن از آقایان با آنها دیدار داشتند.

○ شما دیداری داشتید یا نه؟!

● نه، من نبودم، گفتم که در آن دیدار نبودم.

○ با ارتشبد قره‌باغی چطور؟

● نه، اما اینکه در این دیدار امان‌نامه به کسی داده شود اصلاً مطرح نبود. هدف از این دیدار این بود که تلاش کنند و ارتش را از حمایت رژیم منصرف کنند و این جزو وظایف شورای انقلاب بود که به جبهه دشمن نفوذ کند و ارتباطات میان آنها را قطع کند. این از کارهای مفید شورای انقلاب بود. اما اینکه امان‌نامه به کسی داده شود اصلاً مطرح نبود.

○ در آن روزهای قبل از انقلاب، به فاصله ۱۰ روز تا یک ماه با سران کشورهای خارجی و مقامات عالی‌رتبه اروپا تماس‌هایی نداشته‌اید؟!

● کی؟

○ در حدود روزهای برپایی کنفرانس گوادلوپ.

● نه، من در آن موقع باز هیچ یادم نمی‌آید که هیچ رابطه‌ای بین آنها و شورای انقلاب بوده

باشد.

○ می‌گویند شما برای جلوگیری از کودتا با هایزر ملاقات کرده‌اید. روی دیوارها در بعضی از نقاط شهر نوشته‌اند: «خط آیت، خط برژینسکی، خط بهشتی، خط برژینسکی...» در مورد برژینسکی هنگامی که شما رئیس شورای انقلاب بودید ملاقاتی بین یزدی و بازرگان و برژینسکی در الجزایر صورت گرفت. آیا آن طور که آقای یزدی در مجلس عنوان کرده‌اند شورای انقلاب در جریان این ملاقات بوده است؟

● برژینسکی اصلاً دیداری با ما نداشت.

○ بله، ولی در الجزایر با یزدی و بازرگان ملاقات کرده است و آقای یزدی در مجلس عنوان کردند که شورای انقلاب در جریان بوده است. شما این گفته آقای یزدی را تأیید می‌کنید؟

● همانطور که گفته شد آقایان قبل از رفتن به الجزایر هیچ مجوزی نگرفتند که با برژینسکی ملاقات داشته باشند ولی آنجا رفته‌اند و ملاقات داشته‌اند. باز تکرار می‌کنم، اگر آقایان، اگر نخست‌وزیر و وزیر خارجه ما لازم دیده باشند با برژینسکی صحبت بکنند من این را جرم و خلاف نمی‌دانم، اگر خلافی هست این است که چه صحبتی کرده‌اند. باز باید تکرار بکنم، برای چندمین بار تکرار می‌کنم و در آینده هم تأکید خواهم کرد: مگر می‌شود کشوری را اداره کرد بی‌آنکه انسان با نمایندگان کشورهای دیگر گفتگو کند؟ باید نمایندگان کشورهای دیگر بدانند که با ما به صورت مستقل گفتگو کنند، یعنی ما مستقل هستیم. به هر حال اگر ما در صحبت‌هایی که با دیگران می‌کنیم قاطع باشیم و با قاطعیت روی استقلال و بی‌نیازی مان از آنها پافشاری بشود گفتگو با آنها همیشه نتیجه خوب خواهد داشت. اگر با آنها در گفتگوها ضعف نشان دهیم نتیجه بد خواهد داشت. به همین جهت من اصل ملاقات این آقایان را هم هیچ نمی‌توانم درباره‌اش نظر دهم تا وقتی که دقیقاً بدانم چه گفته‌اند. ولی دقیقاً نمی‌دانم چه گفته‌اند. مهم این است که آقایان بتوانند صورت مذاکراتشان را برای اطلاع ملت منتشر کنند.

○ پس تأیید نمی‌کنید گفته آقای یزدی را که صورت مذاکرات را به اطلاع شورای انقلاب رسانده‌ایم.

● صورت مذاکرات را به آن صورت... قبل از رفتن یا بعد از رفتن؟!

○ پس از بازگشت.

● پس از بازگشت گزارش دادند اما این غیر از آن است که قبل از رفتن مجوز کسب کرده باشند. خوب پس از بازگشت گزارش دادند که به همان دلیل که این گزارش اینها «جمعاً مطلوب نبود»؛ برای ملت هم خوشایند نبود ولی وقتی برگشتند گزارش کار خود را به شورای انقلاب دادند و بعد به امام هم گزارش دادند اما این گزارش کار نشانه تأیید کامل کار آنها نمی‌تواند باشد مگر

اینکه تمام مذاکراتی را که آنجا انجام داده‌اند نوارش را و صورتش را دقیقاً بگویند.^۹ از نکات جالب توجه پیرامون مصاحبه مورد اشاره این است که نشریه اطلاعات هفتگی در مقدمه مصاحبه زمان ضبط آن را ۵۹/۷/۱۹ اعلام می‌کند. اما به دلایلی که بیان نمی‌شود در آن زمان به چاپ نرسیده و چند ماه بعد یعنی ۱۰ روز پس از شهادت آیت‌الله بهشتی آن را به چاپ می‌رساند. در حالی که ممکن بود توضیحات دکتر بهشتی تا اندازه‌ای در تنویر افکار عمومی مؤثر واقع شود. این مصاحبه به خوبی نشان می‌دهد که تلاش شده از طریق برخی سئوالات بهشتی به عنوان فردی سازشکار و سابقه‌دار در دیدارهای سیاسی مشکوک با نمایندگان کشورهای خارجی معرفی شود که او از پس سئوالات برآمده و توضیحات مبسوطی را مطرح کرده است. به همین دلیل احتمالاً دست‌اندرکاران مصاحبه که از رسیدن به اهداف خود بازمانده‌اند از انتشار آن منصرف شده‌اند.

نتیجه

به هر حال سند مذاکره آیت‌الله بهشتی به رغم شایعه‌پراکنی‌ها و اتهاماتی که علیه وی مطرح شد نه تنها چهره‌ای سازشکار و یا غیرانقلابی از او به تصویر نمی‌کشد که چهره‌ای منطقی و علاقه‌مند به منافع ملی را به نمایش می‌گذارد. همچنین بررسی حاشیه‌های مرتبط با ماجرای انتشار این سند نیز نشان می‌دهد که همه جوسازی‌ها در حقیقت هیاهوی سیاسی با هدف انحراف افکار عمومی از حقایق دیگر بوده است. البته شهید بهشتی تا زمان حیات به دفعات و در مناسبت‌های مختلف نسبت به سیاست‌های دولت آمریکا اعتراض داشت و با آن به مخالفت پرداخت که همگی حاکی از عمق نگاه او به این کشور و سیاست‌های آن است. جمله معروف «ای آمریکا از ما عصبانی باش و از این عصبانیت بمیر» از بهترین جملاتی است که شهید بهشتی در اعتراض به دخالت‌های آمریکا در امور داخلی ایران بیان داشته و به یکی از ماندگارترین تعابیر سیاسی علیه دولت آمریکا مبدل شده است.

پانوشتها

- ۱- او به تنهایی یک امت بود، تهران، نشر شاهد، تیرماه ۶۱، صص ۴۰۳ و ۲۴۰.
- ۲- همان، ص ۴۱۱.
- ۳- همان، ص ۴۱۲.
- ۴- روزنامه اطلاعات، مورخ ۷۴/۴/۲۱.
- ۵- او به تنهایی یک امت بود، تهران، نشر شاهد، تیرماه ۶۱، ص ۴۱۱.
- ۶- روزنامه اطلاعات، مورخ ۷۴/۴/۲۱.
- ۷- سفارت آمریکا تلاشهای زیادی را برای ملاقات با بهشتی انجام داد که شواهد آن در اسناد مختلف موجود است. بیشتر این درخواستها به توصیه وزارت امور خارجه آمریکا بوده است. ر.ک: بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، پرونده اسناد لانه جاسوسی، سند ۳۶، مورخ ۱۲ اکتبر ۱۹۷۹.
- ۸- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، پرونده اسناد لانه جاسوسی، سند ۱۸۰، مورخ ۱۴ می ۱۹۷۹.
- ۹- همان سند ۳۳۶، مورخ ۲۹ اکتبر ۱۹۷۹.
- ۱۰- مجله شهروند امروز، ش ۴۵، مورخ ۸۷/۲/۱۵، ص ۴۷.
- ۱۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، پرونده اسناد لانه جاسوسی، سند ۳۶۶.
- ۱۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ویژه‌نامه ۶۱/۴/۲، ص ۲.
- ۱۳- مجله شهروند امروز، ش ۶۷، مورخ ۸۷/۷/۲۱.
- ۱۴- مانند افغانستان.
- ۱۵- اسناد لانه جاسوسی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، بهار ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۳۳۵ و ج ۳، ص ۴۶۷.
- ۱۶- مجله شهروند امروز، ش ۵۱، مورخ ۸۷/۴/۲، صص ۷۷-۷۶.
- ۱۷- همان.
- ۱۸- همان.
- ۱۹- اسناد لانه جاسوسی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، بهار ۱۳۸۷، ج ۴، صص ۵۳-۵۲.
- ۲۰- همان، ج ۲، ص ۳۳۵.
- ۲۱- همان، ج ۳، ص ۱۲۹.
- ۲۲- مجله شهروند امروز، ش ۴۵، مورخ ۸۷/۲/۱۵، ص ۵۰.
- ۲۳- اسناد لانه جاسوسی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، بهار ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۷۶.
- ۲۴- ر.ک: اسناد مختلف در همان.
- ۲۵- همان، ج ۳، ص ۳۳۴.
- ۲۶- همان، ج ۳، صص ۳۱۹ و ۳۸۹ و ۳۹۰.
- ۲۷- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، پرونده اسناد لانه جاسوسی، سند ۳۶۱، مورخ ۲۴ اکتبر ۱۹۷۹.
- ۲۸- مجله تایم چاپ آمریکا در ژوئن ۱۹۸۱ پس از شهادت آیت‌الله بهشتی نوشت که «او امید اصلی تداوم انقلاب اسلامی بود.» (جمعی از پژوهشگران، سازمان مجاهدین خلق از پیدایی تا فرجام، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ص ۸۴، ج ۲، ص ۵۹۹). واشنگتن استار هم فقدان وی را به منزله از دست رفتن توانترین استراتژیست و سازمان‌ده روحانیت ایران توصیف کرد. (همان) روزنامه دی ولت چاپ آلمان (غربی) نیز فقدان بهشتی را ضربه‌ای سخت به روحانیت ایران نامید. (همان) کریستین ساینس مانیور هم فقدان بهشتی را موجب ناامیدی بنیادگرایان برای تشکیل دولت مذهبی پس از بنی صدر دانست. (همان)
- ۲۹- مجله شهروند امروز، ش ۴۵، مورخ ۸۷/۲/۱۵، ص ۴۶.
- ۳۰- روزنامه اطلاعات، مورخ ۵۸/۱۲/۱۲.
- ۳۱- مجله شهروند امروز، ش ۴۵، مورخ ۸۷/۲/۱۵، ص ۴۹.
- ۳۲- همان، ص ۴۸.
- ۳۳- جزوه افشاگری و پاسخ به سئوالات از انتشارات انجمن اسلامی دانشجویان مجتمع عالی تکنولوژی انقلاب، ص ۲۲.

- ۳۴- مجله شهروند امروز، شم ۴۵، مورخ ۸۷/۲/۱۵، ص ۴۹.
- ۳۵- جمعی از پژوهشگران سازمان مجاهدین خلق از پیدایی تا فرجام، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ص ۸۴ ج ۱، صص ۳۲۷ - ۲۸۲ - ۲۸۱.
- ۳۶- همان، ج ۲، ص ۲۷.
- ۳۷- همان، ج ۲، ص ۳۸۸.
- ۳۸- گروهک رجوی بعدها به صورت علنی و رسمی به خدمت کشورهای امپریالیستی بویژه آمریکا درآمد.
- ۳۹- زیباکلام، صادق، مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی، تهران، روزنه، ۱۳۷۸، ص ۸۵.
- ۴۰- نشریه مجاهد، س اول، شم ۱۲، مورخ ۵۸/۱۱/۱۶، ص ۸. محمد حسنین هیکل روزنامه‌نگار برجسته عرب که تحقیقاتی پیرامون انقلاب اسلامی داشته و با نیروهای انقلابی ایران نیز مرتبط بوده می‌نویسد: «رجوی می‌پنداشت که کارتر (دولت آمریکا) در مقطعی خاص دست از حمایت شاه کشیده است.» (حسین هیکل، ایران روایتی که ناگفته ماند - مترجم حمید احمدی، نشر الهام، تهران، ۱۳۶۲، ص ۱۹) جالب این است که این تحلیل رجوی از جهاتی با تحلیل سلطنت‌طلبهای هوادار رژیم نیز شباهت دارد.
- ۴۱- نشریه مجاهد، س اول، فوق‌العاده شم ۵، مورخ ۵۸/۱۱/۲۱، ص ۱.
- ۴۲- سعادت‌ی در تاریخ ۵۸/۲/۵ دستگیر شد.
- ۴۳- ر.ک: جمعی از پژوهشگران سازمان مجاهدین خلق از پیدایی تا فرجام، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ص ۸۴ ج ۲، ص ۴۶۵. از سوی دیگر چریکهای فدایی خلق هم برای عقب‌نماندن از قافله در اطلاعیه‌ای بهشتی را از عناصر دل‌بسته به امپریالیسم معرفی نمودند (جزوه بحثی در رابطه با اشغال سفارت، ص ۵).
- ۴۴- البته اعضای سازمان مجاهدین خلق برای نفوذ در مراکز حساس و از جمله دادگاه‌ها تلاش زیادی کردند که تا حدودی هم موفق بودند. برای اطلاع بیشتر ر.ک: همان، ج ۲، ص ۳۹۵.
- ۴۵- برای مطالعه کامل این گزارش می‌توان به نشریه مجاهد، شم ۱۰۲، نگاه کرد.
- ۴۶- مجله ۱۵ خرداد، شم ۱۵ و ۱۶، س ۱۳۷۳، ص ۸۳.
- ۴۷- وی نخواست که نامش فاش شود.
- ۴۸- جمعی از پژوهشگران سازمان مجاهدین خلق از پیدایی تا فرجام، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ص ۸۴ ج ۲، ص ۴۷۴.
- ۴۹- همان.
- ۵۰- برای اطلاع بیشتر ر.ک: همان، ج ۲، صص ۵۹۷، ۵۲۳، ۵۲۲.
- ۵۱- سنجابی، کریم، امیدها و ناامیدی‌ها، لندن، نشر جبهه ملی، ج اول، ۱۳۳۸، ص ۳۱۹.
- ۵۲- هایزر، رابرت، مأموریت هایزر در تهران، ترجمه محمدحسین عادل، تهران، مؤسسه رسا، ج اول، س ۱۳۶۵، ص ۱۸۶.
- ۵۳- یزدی، ابراهیم، بررسی سفر هایزر به ایران، انتشارات نهضت آزادی، تهران، ج دوم، س ۱۳۶۲، صص ۴۹-۴۸.
- ۵۴- مجله اطلاعات هفتگی، شم ۲۰۴۶، مورخ ۱۳۶۰/۴/۱۷، صص ۶۷-۶۶.